

ترکیه، کودتا یا نمایش کودتا؟

سیر تحولات پرشتاب در ترکیه در فاصله زمانی کمتر از یک روز، فرایندهای کودتا و ضد کودتا را با سرعتی غیرمنتظره رقم زد. ابتدا کودتاچیان به چند مرکز حساس و کلیدی در اسلامبول و آنکارا تسلط یافتند و پیروزی خود را اعلام کردند.



به گزارش آران نیوز: سیر تحولات پرشتاب در ترکیه در فاصله زمانی کمتر از یک روز، فرایندهای کودتا و ضد کودتا را با سرعتی غیرمنتظره رقم زد. ابتدا کودتاچیان به چند مرکز حساس و کلیدی در اسلامبول و آنکارا تسلط یافتند و پیروزی خود را اعلام کردند ولی به فاصله چند ساعت نیروهای ضد کودتا وارد عمل شدند و شکست کودتا را با خبر دستگیری «کودتاچیان خائن» اعلام کردند. تحلیل این وضعیت هرچه باشد، حتی با شکست کودتا هم در این نکته کمتر می‌توان تردید کرد که اوضاع در ترکیه مطابق افکار و اندیشه‌های اردوغان و دستیارانش به پیش نمی‌رود و با مشکلات جدی مواجه است.

شتاب حرکت در این زمینه به قدری بود که باورپذیری آن برای انجام یک کودتای تمام عیار در ترکیه بعنوان هم پیمان ناتو، محل تردید است. شدت و دامنه عملیات کودتاچیان هم تقریباً به همین اندازه تردیدانگیز است. آنها فقط در یک محدوده کوچک در اسلامبول و آنکارا وارد عمل شدند و فقط بخشی از نیروهای ارتش را با خود همراه کردند و به گونه‌ای عمل شد که بسیار شکننده و از پیمان ابتدا محکوم به شکست، به نظر می‌رسید. نه محدودیتی برای رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر ایجاد شد و نه سرعت عمل برای تسلط بر سایر مراکز قدرت، در کار بود. البته تاریخ را فاتحان می‌نویسند و اگر کودتا موفق می‌شد، چه بسا فضای دیگری حاکم بود.

این پدیده برای کشوری که طی دهه‌های اخیر در طول یک قرن شاهد انواع کودتاهای موفق بوده و طی آن کودتای «مصطفی کمال پاشا» معروف به «آتاتورک»، ژنرال «کنعان اورن» و برخی دیگر از کودتاهای کمتر ریشه‌دار را تجربه کرده، قدری ساختگی به نظر می‌آید. اما اگر واقعاً کودتائی در کار بوده ولی ضد کودتا قوی‌تر و فوری‌تر عمل کرده، قاعدتاً اردوغان و دستیارانش باید بدانند که همیشه چنین شانسی برای آنها وجود نخواهد داشت که بتوانند به سرعت و یا به تاخیر، اوضاع را دوباره مهار کنند.

تا همین جا هم دولت و همفکرانش کاملاً پذیرفته‌اند که اوضاع به کلی شکننده و برگشت‌ناپذیر است و هر لحظه ممکن است کودتاچیان دیگری از گوشه‌های دیگر سربلند کنند و اوضاع را به زیان هیئت حاکمه تغییر دهند و آنرا تثبیت نمایند. تا اینجای قضیه روشن است که حداقل بخشی از ارتش ترکیه مشخصاً به خاطر آنکه قرار بوده 700 تن از آنها در پیگیری طرح‌های اردوغان برای تصفیه ارتش و پاکسازی نظامیان بازداشت و محاکمه شوند، از روند کنونی به شدت ناراضی بوده و به کودتاچیان پیوسته‌اند. ولی آیا کودتا در کشوری عضو پیمان ناتو با آنهمه حساسیت‌ها و ملاحظات امنیتی و تمهیدات ضد اطلاعاتی، به همین سادگی شکل می‌گیرد و عملیاتی می‌شود؟ این احتمال وجود دارد که موج گسترده بازداشت‌ها و برکناری‌ها در ارتش ترکیه، فضا را علیه اردوغان تغییر داده و زمینه ساز کودتای اخیر بوده است. به طور همزمان می‌توان استدلال کرد که اتفاقاً همین سیاست‌های اردوغان در مهار و پاکسازی ارتش جواب داده و زمینه‌های شکست کودتا را فراهم ساخته است. احتمال دیگر هم اینست که اردوغان از کودتا مطلع بوده و با آمادگی درصدد مهار آن برآمده است.

واقعیت امر، هرچه باشد، در چند نکته کمتر می‌توان تردید کرد. نخست آنکه تا اینجای قضیه ثابت شد که ارتش ترکیه از عملکرد اردوغان و دستیارانش در قلمرو سیاست داخلی و منطقه‌ای چندان رضایتی ندارد و برای مقابله با آن حتی حاضر است ریسک بزرگ کودتا را هم بپذیرد. موضوع مهم‌تر آنکه حتی اگر شکست کودتا را بپذیریم، «شکندگی اوضاع» حتی به اعتراف مدیران ضد کودتا همچنان به قوت خود باقی است و آنها مراتب نگرانی خود را پنهان نمی‌کنند.

موضوع حیاتی دیگر آنکه نارضایتی ارتش و بخش مهمی از افکار عمومی ترکیه با سرکوب کودتا حل و فصل نخواهد شد بلکه به صورت پنهان همانند آتشی در زیر خاکستر، فضای جامعه ترکیه را در شرایط «آرامش قبل از طوفان» حفظ خواهد کرد. این تقریباً همان حالتی است که اردوغان در سال‌های اخیر، آنرا بر فضای سیاسی و حتی نظامی ترکیه تحمیل کرده و در عین آنکه فضا را به شدت «امنیتی» و ملتهب ساخته، از یکطرف با سوءاستفاده از توانمندی‌های ارتش در سوریه و عراق و حتی سرکوب کردها با همین ابزار، سعی کرده ارتش را درگیر کند و به یک روند فرسایشی بکشد و توان آنرا به تحلیل ببرد و در عین حال آنرا رودرروی دیگران قرار دهد که اعتبار و محبوبیت چندان برای ارتش ترکیه بجا نگذاشته است. از سوی دیگر همگان به چشم دیدند که اردوغان و دستیارانش با سوءاستفاده از همین حربه‌ها و امنیتی کردن فضای سیاسی اجتماعی ترکیه توانستند خود را از انزوای سیاسی زجر دهنده در سال گذشته خارج کنند و با توسل به همین حربه و برگزاری انتخابات زودرس مجلس، به اکثریت شکننده‌ای دست یابند که حاصل آن دولت نیم بند «احمد داود اوغلو» بود که سقوط کرد. اظهارات شتابزده «اردوغان» و «بیلدیریم» در واکنش به کودتای نظامیان به خوبی ابعاد نگرانی آنها نسبت به شکندگی اوضاع را آشکار می‌سازد. از این پس وی و دستیارانش چه بسا مثل گذشته نتوانند از اهرم فشار ارتش برای مرعوب و سرکوب کردن کردها و انجام عملیات ایذائی و تهاجمی علیه سوریه و عراق بویژه در مناطق کردنشین این کشورها سوءاستفاده کنند و یا حداقل مجبورند برای مدتی در این سیاست‌ها تجدیدنظر نمایند. طبعاً کودتای نیم بند اخیر ترکیه با هر نگاهی که مورد ارزیابی قرار گیرد، وجود نوعی التهاب، ناآرامی و بی‌ثباتی ریشه‌ای در ساختار سیاسی نظامی ترکیه را بازگو می‌کند که می‌تواند باز خورد شکست اردوغان در برخورد با

فضای داخلی و پیرامونی باشد. تعارض با کردها، شکست در حمایت از داعش و سایر گروه‌های تروریستی و رسوایی قاچاق نفت و اسلحه در سوریه و عراق، تعارض با آمریکا و ناتو در ماجرای درگیری با روسیه که خواستند به تصمیم اردوغان به جنگ مسکو بروند، انزوای مطلق اردوغان و مزدوران محلی در حوادث عراق و سوریه که منجر به عقب نشینی اردوغان در برابر دمشق و بغداد شد، بعلاوه طیف وسیعی از نارضایتی‌های ناشی از تکروری‌های اردوغان در صحنه داخلی برای احیای سیاست‌های نوعثمانی، فضا را به شدت علیه اردوغان تیره کرده است. اکنون بهتر قابل درک است که چرا اعضای ناتو به کلی فاقد هرگونه تمایلی به حمایت از اردوغان در تخاصم و برخورد نظامی با روسیه بوده‌اند. چرا که دقیقاً خبر داشته‌اند که اردوغان در داخل کشور و در فضای پیرامونی با مشکلات فزاینده‌ای مواجه است و سعی می‌کند با وارد کردن ناتو به صحنه درگیری‌های نظامی با روسیه، بر شکست و ناکامی خود در تمامی صحنه‌ها سرپوش بگذارد و با انحراف افکار عمومی به سمت و سوی سوریه و عراق، فقدان پایگاه سیاسی اجتماعی خود را هم توجیه نماید و از اهمیت آن بکاهد. اردوغان با شکستن قلم‌ها و تلاش برای تسلط بر رسانه‌ها سعی کرد زمینه ساز انزوای مخالفان داخلی باشد ولی هنوز هم در برابر انبوه ناکامی‌ها تقریباً تنها مانده است. اردوغان برای استفاده از فرصت پس از شکست همین کودتای نیم بند و چند ساعته در جهت سرکوب مخالفین و تشدید پاکسازی‌ها و برکناری‌ها و بازداشت‌ها در ارتش ترکیه وارد عمل شده ولی اگر وقوع همین کودتا را نشانه‌ای از وجود نارضایتی در بدنه ارتش تلقی کنیم، بعید به نظر می‌رسد استمرار همین سیاست اردوغان از این پس هم بدون واکنش باشد. بدین ترتیب قطعاً اردوغان و دستیارانش از شکست کودتای نیم بند اخیر راضی به نظر می‌رسند ولی قاعدتاً از این نکته غافل نخواهد بود که شاید این بار، شانس با آنها تا این اندازه همراه نباشد و تلاش آنها برای دامن زدن به التهاب و شکنندگی اوضاع، شرایط را به کلی در مسیر برگشت ناپذیر قرار دهد و فرصتی هم برای جبران مافات باقی نگذارد. این مهم‌ترین درسی است که اردوغان و دستیارانش می‌توانند بیاموزند و آنچه رخ داده به عنوان فرصت محدودی برای جبران اشتباهات در سیاست‌های جاری و گذشته، تلقی کنند و از استعدادهای خود برای بهبود اوضاع، نه با داغ و درفش بلکه با تعقل و سیاست‌ورزی به کار گیرند. این بهترین راهکار برای مهار و پایان التهابات سیاسی و ترمیم شکنندگی اوضاع است که می‌تواند ثبات و امنیت و آرامش ترکیه و اطمینان خاطر همگان را درون ترکیه و در فضای پیرامونی تامین و تضمین نماید.

اینها همه در صورتی است که آنچه در ترکیه رخ داده واقعاً یک کودتا بوده باشد نه نمایش کودتا. اگر این واقعه یک نمایش بوده باشد، تبعات زیادی خواهد داشت که به تدریج روشن خواهد شد و گریبان شخص اردوغان را خواهد گرفت.